

کارکردهای شناختی، عاطفی و رفتاری جمع‌های مؤمنان

نیلوفر فدایی^۱

چکیده

ایجاد تمدن اسلامی از میان جامعه اسلامی و جمع‌های مؤمنان می‌گذرد چرا که اگر جمع‌های مؤمنان اصیل و الهی باشد، این جمع‌ها هر کدام جامعه اسلامی کوچک‌تری در خود دارند که با پیوند این جمع‌ها به هم جامعه اسلامی و در ادامه تمدن اسلامی شکل خواهد گرفت زیرا در هر جمع افراد نقش خود را شناخته‌اند و جهت گرفته‌اند چنین افراد رشد یافته‌ای در جمع‌های اصیل هستند، که تمدن اسلامی را می‌سازند، تشکیل جمع‌های مؤمنان و اتحاد و انسجام آن از اصول راهبردی است که مورد توجه قرآن و سیره نبوی و ائمه اطهار (علیهم السلام) است و در بیانات امام خمینی (رضوان الله علیه) نیز بدین بیان تجلی کرده است: «اسلام در دو کلمه خلاصه می‌شود: کلمه توحید و توحید کلمه» در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به تبیین نقش جمع مؤمنان، انواع، کارکردها، نقش آن در اعتلای نظام اسلامی و روش‌های افزایش بهره‌وری جمع‌ها پرداخته شده است و قابل توجه است که هر کدام از این کارکردها نشان دهنده‌ی ظرفیت موجود در این جمع‌هاست. کارکردهای یافته‌شده در چهار حوزه ارتباطی خدا، خود، جهان و جامعه، و در هر حوزه در سه ساحت شناختی، عاطفی، رفتاری سامان داده شده است.

واژگان کلیدی: جمع‌های مؤمنان، جمع‌های الهی، کارکردهای شناختی، عاطفی، رفتاری.

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، قم.

ضرورت تشکل و جمع از آنجا برخاسته است که معمولاً انسان‌ها می‌توانند به تنهایی کارهایی انجام دهند، اما وقتی اهداف، وسیع و پیچیده می‌شود به طور طبیعی یک فرد نمی‌تواند کار کند، از طرفی تنوع نیازها، ما را به ارتباط باهم و تشکیل جمع‌ها می‌کشاند. توجه بسیار اسلام به جمع، برای استوار ساختن پیوندهای اجتماعی و محفوظ نگه داشتن جامعه از عوامل فساد، ضرورت این بحث را چند برابر می‌کند. (بهشتی، ۱۴۰۲، ص ۲۶-۲۷)

همچنین در عصر حاضر و شرایط زیست اجتماعی امروزه به دلیل وجود فضای مجازی و تأمین نیازها به صورت ارتباط کمتر با انسان‌ها، جمع‌ها کمتر شده‌اند. در حالی که در ادبیات و حیانی، سبک زندگی اسلامی، تأکید بر زندگی و زیست جمعی واقعی، روابط فراوان اجتماعی واقعی دارد. «قَالَ إِمَامٌ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَزَاوَرُوا فَإِنَّ فِي زِيَارَتِكُمْ أَحْيَاءَ لِقُلُوبِكُمْ وَ ذِكْرًا لِأَحَادِيثِنَا؛ به زیارت یکدیگر روید زیرا زیارت شما از یکدیگر زنده گردانیدن دل‌های شما و یاد نمودن احادیث ماست.» (کلینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۴۶)؛ برای مثال در ساحت عبادی: نماز جماعت، ساحت اجتماعی: مواسات، ساحت سیاسی: یوم الله، راهپیمایی‌ها و... حال این جمع‌ها اقسام گوناگونی دارد، هر کدام در زمینه‌ای شکل می‌گیرد، به سبب هدفی به هم پیوند می‌خورند، با عواملی متشکل‌تر و پیشرفته‌تر می‌شوند و با موانعی از همدیگر گسسته می‌شوند. (اگیون، ۱۳۵۶، ص ۷۸)

ضرورت پرداختن به کارکردهای جمع از ضرورت برطرف شدن نیازهای انسان نشأت می‌گیرد که آیا نیازهای انسان طبق کارکردهای آن جمع، تأمین می‌شود یا نمی‌شود. البته کارکردهای جمع انسانی و الهی متفاوت است.

اساس جمع انسانی مدیریت و انضباط است این جمع برای یک هدف مشخص تشکیل شده است انسان‌ها را به هم ربط داده است و متأثر از این ربط ضوابط و روابط می‌ان انسان‌ها به وجود می‌آید. در این جمع گاه قاعده‌ها خشکی نیز مطرح می‌شود. (آرونسون، ۱۳۶۶، ص ۵۶)

جمع الهی، جمعی است که رشته‌ی پیوند و هدف محوری آن، الله است، این جمع استحکام خوبی دارد افراد در این جمع جز برای خدا از هم جدا نمی‌شوند و امکان از بین رفتن ندارد (بقره، ۲۵۶) این جمع دو خصلت دارد عشق به حق و کفر به طاغوت «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابراین، کسی که به طاغوت، کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است، که گسستن برای آن نیست. و خداوند، شنوا و داناست.» (بقره، ۲۵۶) جمع مؤمنان جمعشان فراتر

از جمع انسانی است و جمع الهی است؛ این مقاله به ظرفیت‌شناسی، کارکردیابی جمع الهی می‌پردازد. توصیف جامع و دسته‌بندی و تحلیل کارکردها در پژوهشهای دیگر یافت نشد.

آیت‌الله بهشتی در کتاب تشکیلات بهشتی که مجموع نظرات ایشان، درباره‌ی تشکیلات است به ضرورت تشکیلات و جمع، معنای آن، کارکردها، اصول و وظایف رهبر تشکیلات می‌پردازد. از نگاهی دیگر با بیان اهداف تشکیلات و رسالت آن، نقش تشکل و جمع‌های مؤمنان را روشن‌تر می‌کند؛ وی جمع مؤمنان را شرط تداوم، موفقیت و ثبات انقلاب می‌داند. بعضی از کارکردهای جمع را تقویت روحیه افراد، مجالی برای شناختن، ساختن استعدادها، خودسازی و اه می‌ت دادن به کارهای تعاونی می‌داند. (بهشتی، ۱۴۰۲، ص ۱۱)

علی صفایی حائری در کتاب (جمع‌ها و حاصل جمع‌ها) به ضرورت و عوامل تشکیل جمع، اهداف، وظایف افراد در جمع، نیازها و چگونگی برخورد با این نیازها می‌پردازد. (صفایی، ۱۴۰۱، ص ۲۴)

مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای است و در صدد پاسخ به این پرسش است که جمع‌های مؤمنان چه کارکردهای شناختی عاطفی رفتاری دارد؟

و برای پاسخ به پرسش داده شد این کارکردها را در چهار حوزه ارتباطی خدا، خود، جهان و جامعه، و در هر حوزه در سه ساحت شناختی، عاطفی، رفتاری بررسی می‌کند.

کارکرد جمع‌های مؤمنان در ارتباط با خدا: در ساحت شناختی، یادهای با برکت و موثر و در ساحت عاطفی، ازدیاد ایمان و تقویت توکل، در ساحت رفتاری، زمینه‌سازی ظهور می‌باشد.

کارکرد جمع‌های مؤمنان در ارتباط با خود: در ساحت شناختی، کسب علم و معرفت و خودآگاهی، رشد عقلانیت و در ساحت عاطفی، زنده‌دلی و در ساحت رفتاری به تسهیل زندگی فردی (ارتقاء زندگی)، تمرین توسعه فردی پرداخته می‌شود.

در حوزه ارتباطی جمع مؤمنان با مردم در ساحت شناختی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و در ساحت عاطفی، تقویت تواضع، تقویت مهرورزی و الفت، تقویت احساس تکیه‌گاه اجتماعی و در ساحت رفتاری، تقویت انسجام اجتماعی، تقویت خصلت‌های بنیادین، تقویت تاب‌آوری جمعی، مصونیت اجتماعی، سازندگی اجتماعی، افزایش اقتدار اجتماعی، افزایش استحکام اجتماعی، راهگشایی اجتماعی و کاهش خطا می‌باشد.

و در حوزه ارتباطی با هستی در ساحت شناختی، شناخت درست دنیا، در ساحت عاطفی به تقویت احساس و ارستگی، در ساحت رفتاری، قناعت ختم می‌شود.

نکته‌ی مهم در این مقاله این است که منظور از حوزه‌ی شناختی، عاطفی و رفتاری به طور کلی نیست بلکه منظور بررسی کارکردهای جمع‌های مؤمنان در این سه ساحت است زیرا این سه ساحت چرخه‌ی تحول هر انسانی است.

مفهوم شناسی

کارکرد: آثار، محصول، نتیجه، بازده، (عمید، ۱۳۹۲، ص ۹۲)

جمع: گروه مردم، گردآمدن، فراهم کردن (شرتونی، ۱۳۷۷، ص ۳۰۱)

مؤمن و ایمان: لفظ ایمان و مشتقات آن بیش از هشتصد بار در قرآن تکرار شده و از این حیث تعبیری با آن برابری نمیکند. این تکرارها به وضوح از اهمیت و نقش این مقوله در میان معارف اخلاقی و دینی حکایت دارد. قرآن در هر دعوتی ایمان آورده‌ها را مورد خطاب خویش قرار میدهد، گویی که قرآن برای این دسته نازل و صرفاً با اینان سخن میگوید. در توصیف هر عنوان و سیمای اخلاقی معمولاً اولین ویژگی مورد توجه و تذکر، ایمان است. این نکته را حتی آنجا میتوان دید که قرآن اعراب اسلام آورده را مورد خطاب قرار داده و راه پیشروی ایشان را ترسیم می‌کند .

«قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ...؛ شما ایمان نیاورده اید، ولی بگوئید اسلام آورده ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است.» (حجرات، ۱۴)

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ منحصرأ مؤمنان واقعی آن کسانی که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعداً هیچ گاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند.» (حجرات، ۱۵)

این گروه از اعراب اسلام آورده اند و قرآن به آنان گوشزد می‌کند که تحقق ایمان در انسان می‌شود مؤمن و موکول به عبور از مسیری است؛ مسیری که آغاز آن با دخول ایمان در دل است «الَّذِينَ آمَنُوا» سپس این ایمان آورده‌ها اگر که به ریب و شک دچار نشده و با تمام وجود خویش بکوشند به جایی میرسند که بر آنان مؤمن اطلاق می‌توان کرد.

ریشه ایمان از «امن» ضد خوف است (ابن منظور، ۱۳۰۸، ص ۲۱) و در معنای سکون قلب نیز به کار می‌رود «الأصلُ أن يستعملَ في سكُونِ القلبِ فيومي» (ابوالعباس، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۲۴) ایمان در برابر کفر استعمال شده و اگر چه معنایی نزدیک به تصدیق دارد (زبیدی، ۱۳۰۷، ج ۱۸، ص ۲۴) ولی نمی‌توان آن دو را هم معنی تلقی کرد؛ زیرا در ایمان نوعی اعتماد، اعتقاد و اطمینان وجود دارد (اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۹۰) ایمان به امری به معنای سکون قلب و اعتماد و اعتقاد نسبت به آن است (سید حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۵۰)؛ ایمان به فردی به عنوان رسول‌خدا به معنای اعتماد و اعتقاد به او به عنوان پیام‌آور و صاحب رسالت از جانب خداست. ایمان به پیام رسول یعنی اعتماد و باور به آن به مثابه پیام‌پروردگار. ایمان به نادیده‌هایی مانند خدا و ملائک و قیامت به معنای اعتقاد و سکون قلب نسبت به آنهاست. ایمان اگر بدون متعلق ذکر شود مراد از آن مطلق اعتقادات دینی است. ایمان داشتن به معنای اعتقاد و اطمینان درونی نسبت به گزاره‌های دینی است و این چیزی فراتر از فهم و درک و پذیرش ذهنی نسبت به این گزاره هاست. ایمان درگیر شدن دل و احساس با مقولاتی است که پیشتر در ساحت ذهن و فکر پذیرفته شده‌اند. از آیه اسلام اعراب نیز میتوان این نکته را دریافت. در این آیه پس از نفی ادعای اعراب درخصوص ایمان آوردن، به عنصری اشاره شده که وجه تمایز میان اسلام و ایمان آوردن است. این عنصر دخول ایمان در دل است - لَمَا يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ - هنگامی که اعتقاد و باور در دل داخل میشود و با احساس درگیر میشود ایمان حاصل شده است (نسبت ایمان و دل در روایات زیادی مورد تأکید قرار گرفته است. الْإِيمَانُ الْهَدْيُ وَ مَا يَثْبُتُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ صِفَةِ الْإِسْلَامِ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۵ الْإِيمَانُ مَا وَقَرَ فِي الْقُلُوبِ هَمَان، ص ۲۶ الْإِيمَانُ هُوَ الْإِفْرَارُ بِاللِّسَانِ وَ عَقْدُ فِي الْقَلْبِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ هَمَان، ص ۲۷). در دل داخل شدن و بر دل نشستن و تعبیری از این دست که در زبان فارسی نیز فراوان به کار میرود به ورود امری به ساحت احساس و گرایش اشاره می‌کند .

در برخی روایات ایمان به حب و بغض تفسیر شده است: عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ الْحَبِّ وَ الْبَغْضِ أَمْ مِنَ الْإِيمَانِ هُوَ قَالَ وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحَبُّ وَ الْبَغْضُ. (برقی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۲۶۲) همین متن را کلینی به سند دیگری از حریر بن عبدالله نقل کرده است. (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۲۵) سند کلینی و برقی هر دو صحیح هستند. حب و بغض، علاقه و نفرتی است مسبوق به معرفت. ایمان نیز گرایشی است که بر اساس یافته‌ها فرد در مرحله اسلام شکل میگیرد. ایمان باورهایی است که در دل

۴. کارکردهای جمع مؤمنان در ارتباط با دنیا (هستی)

۴.۱. ساحت شناختی

۴.۱.۱. شناخت درست دنیا

درک قوانین هستی به طور صحیح

یکی از نتایج جمعهای مؤمنان کشف و درک و شناخت برخی از قوانین هستی به ویژه سُننی که مرتبط به روابط اجتماعی و جامعه است در جمعهای الهی بسبب انعکاس شفاف و زلال نتایج برخوردها با برادران ایمانی یافته ها مانند «إِرْحَمْ تُرْحَمْ» و «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَءْ بِهِ» و... بسیار است.

۴.۲. ساحت عاطفی

۴.۲.۱. تقویت احساس و ارستگی

در جمع الهی مؤمنان به سبب عاری بودن روابط از همز و لمز، روابط مستحکم ایمانی و انسجام و یکپارچگی، مؤمنان به هم در مشکلات تکیه میکنند این حضور پشتوانه اجتماعی مطمئن و دلگرمی انسان از حرص و جمع مال دور میکند^۱ احساس بی رغبتی (زهد) و قناعت در زندگی تقویت میشود.

در سوره همزه عوامل گسست اجتماعی ضعفهای اخلاقی و عدم حاکمیت اخلاق در روابط بین مؤمنان است و در این سوره این گسست را پایه افزایش رغبت به دنیا می داند. «جَمَعَ مَالًا وَ عَدَدَهُ» (همزه، ۲) حال اگر در جمع مؤمنان با تواضعی و ذکر مدام احادیث ضعفهای اخلاقی در حوزه ی روابط مانند همز لمز کاهش یابد و روابط ایمانی تقویت گردد در نتیجه با استحکام روابط و ایجاد و تکیه گاه اجتماعی اساس رغبت به دنیا بیشتر مدیریت خواهد شد. (صفائی، ۱۳۹۸، سوره همزه، ۱۲)

۴.۳. ساحت رفتاری

۴.۳.۱. تقویت قناعت

جمع الهی به سبب احساس بی رغبتی به دنیا در قناعت ورزی پیشتازند. انسجام اجتماعی باعث ایجاد تکیه گاه اجتماعی برای مردم می شود، داشتن تکیه گاه اجتماعی باعث می شود انسانها در جمعها حرص و طمع جمع مال و... نداشته باشند یا وابستگی آنان کم می شود چون در جمع به هم اعتماد دارند به طور مثال وقتی که فردی اعتماد دارد که اگر پول قرض بدهد یا انفاق کند اگر به فرض خودش دچار کمبود پول شود فرد دیگری به او کمک می کند به راحتی پول خود را قرض می دهد در نتیجه ی این اعتماد اجتماعی انفاق و قرض بیشتر می شود همز و

لمز کمتر اتفاق نمی افتد همز و لمز برای جامعه ای است که انسجام ندارد و مردم آن جامعه به هم گره نخورده اند در نتیجه ی نبود این انسجام «جمع مالا وعده» انسان به دنبال جمع آوری مال و... می روند و باعث بخل ندادن قرض و... می شود.

نتیجه گیری

موضوع همدلی و آثار جمع شدن و تشکیلات میان مؤمنان، به لحاظ تاریخی دارای پیشینه ای طولانی است. چنانکه مفاهیم و الفاظی همچون: تشکیلات، همگرایی، جمع مؤمنان، امت واحده، وحدت، همدلی، اجتماع قلوب، اتحاد، امت، همبستگی دینی و اخوت اسلامی، در نظریه های متفکران جهان اسلام و ادبیات سیاسی و حقوقی سابقه ای طولانی دارند. (ضمیری، ۱۳۸۴، ص ۱۳) ایده اجتماع قلوب، پیش از ورود اندیشه های نوین غربی در جهان اسلام وجود داشته است؛ اما بعد از ورود این آرا و نظریات جدید و همچنین سیاستهای استعماری غرب علیه مسلمین، بیش از گذشته مورد توجه متفکران قرار گرفته است. (ترنر، ۱۳۷۳، ص ۶۶) (کلینتون، ۱۳۵۳، ص ۷۲)

پیروزی انقلاب اسلامی، این دستاورد جهانی و عظیم را برای جوامع اسلامی داشته است که بتوانند با اختلاف افکنی دشمنان مقابله کرده، متقابلاً زمینه های عملی هر چه بیش تر همبستگی و انسجام را در سطح داخل و خارج فراهم آورند.

در این نوشتار بیان شد که همگرایی و اجتماع قلوب مؤمنان نه یک تئوری و نه یک آرزو و میل ظاهری بوده، بلکه امری است که افزون بر تمام تلاش های خردورزانه و مصلحت جویانه، از بُعد معرفتی و دیدگاه اعتقادی و فلسفی ضرورت دارد و این مسئله می تواند مستند به مبانی عمیق فقهی و استدلالات کامل آن باشد که در مقالات دیگر بدان اشاره گردیده است. برای اثبات و رسیدن به این هدف، افزون بر روش معهود استناد به آیات و سنت، به سیره مستمره معصومان (علیه السلام) و تاریخ نیز میتوان استناد کرد که در حوصله این نوشتار نبود اما ضرورت اهمیت دادن به این مسئله برای کاربردی و اجرایی کردن آن در قالب بیان نقش شگفت انگیز و پربرکت جمع مؤمنان بیان شد. انواع جمعها، تقسیم کارکردها، نقش آن در اعتلای نظام اسلامی در شکلی بدیع ارائه شد. کارکردهای یافته شده در چهار حوزه ارتباطی خدا، خود، جهان و جامعه، و در هر حوزه در سه ساحت شناختی، عاطفی، رفتاری سامان داده شد. کارکرد جمع های مؤمنان در ارتباط با خود: در ساحت شناختی کسب علم و معرفت، خودشناسی، افزایش عقل و در ساحت عاطفی، زنده دلی و در ساحت رفتاری به تسهیل زندگی فردی (ارتقاء زندگی)، تمرین توسعه فردی است. کارکرد جمع های مؤمنان در ارتباط با خدا: در ساحت شناختی، یادهای

با برکت و موثر و در ساحت عاطفی، ازدیاد ایمان، اخلاص و در ساحت رفتاری: انفاق، قرض الحسنه، خصلت خدمت‌گزاری، زمینه‌سازی ظهور و در حوزه ارتباطی جمع مؤمنان با مردم در ساحت شناختی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و در ساحت عاطفی، احساس تکیه گاه اجتماعی (اجتماع قلوب) و در ساحت رفتاری، ایجاد انسجام اجتماعی، توسعه رفتارهای مذهبی، افزایش مهارت‌های اجتماعی، تمرین توسعه اجتماعی و سازندگی اجتماعی و در حوزه ارتباطی با هستی در ساحت شناختی، شناخت درست دنیا، درک قوانین هستی به طور صحیح در ساحت عاطفی به قناعت در ساحت رفتاری، اقتدار اجتماعی و زهد و جمع این کارکردها به دو کارکرد، ناگسستگی و بدون بن بست بودن ختم می‌شود امید است این تلاش زمینه ای شود برای بررسی‌های موشکافانه بیشتر با روشی نظام‌مندتر که مبانی عقلی و نقلی مسئله ضرورت اجتماع قلوب و همگرایی در قالبی تازه طرح شود و با تعمیق و جستجوی ژرف‌نگر، تتبعات فقهی، اجتماعی تربیتی و تحلیل نظریات منادیان اجتماع قلوب و همگرایی در عصر حاضر مانند سیدشرف‌الدین عامل و سید محمد بهشتی و سید علی خامنه ای و علی صفایی حائری کاویده شود.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمان بن محمد، مقدمه ابن خلدون، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۸.
۳. ابن منظور، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۳۸۰.
۵. آرونسون، الیوت، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران، انتشارات رشد، ۱۳۶۶.
۶. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
۷. اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴.
۸. آگبون، ویلیام و می‌یو نیمکوف، زمینه جامعه‌شناسی، اقتباس: امیر حسین آریان‌پور، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی (با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین)، ۱۳۵۶.
۹. آل برگر، پیتر، دعوتی به جامعه‌شناسی، ترجمه شهره مهدوی، انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۰. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعه، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۱۱. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، گردآوری: شریف رضی، تصحیح صبحی الصالح، قم، دار الهجرة، ۱۳۶۸.
۱۲. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۸۰.

۱۳. بهشتی، سید محمد، تشکیلات بهشتی، تهران، نشر معارف، ۱۴۰۱.
۱۴. بیانات در دیدار جمعی از مردم و مسئولان نظام. ۱۳۸۸/۱۲/۱۳.
۱۵. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقرساروخانی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۶.
۱۶. پوتنام، رابرت، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور، تهران، ۱۳۸۰.
۱۷. پورمقدس، علی، روان‌شناسی انگیزه‌ها و عواطف، تهران، اصفهان، مؤسسه انتشاراتی مشعل، ۱۳۶۷.
۱۸. تایلور، ای جی پی، فرهنگ و تمدن، ۱۳۶۲.
۱۹. ترنر، جان‌اتان، مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز، ۱۳۷۳.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، قم، نشر اسرا چ دوم، ۱۳۸۵.
۲۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، چ اول، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. حکیمی، محمد رضا، الحیاه، ترجمه احمد آرام، تهران، ۱۳۸۰.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی، کتاب شرح حدیث مکارم الأخلاق، تهران، صهبا، ۱۳۹۷.
۲۴. دورکیم، امیل، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل، کتابسرای بابل، ۱۳۶۹.
۲۵. دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، چ ۱، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
۲۶. ریشه، گی، کنش اجتماعی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی، ج ۱، ترجمه هما زنجانی‌زاده، چ ۱، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۶۷.
۲۷. سیاسی، علی اکبر، علم النفس یا روان‌شناسی از تربیت، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۵.
۲۸. شرتونی، اقرب الموارد، قم منظمه الاوقاف والشؤون الخیریه، ۱۳۷۴.
۲۹. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه.
۳۰. شیخ صدوق، مصادقه الاخوان، ترجمه خراسانی کاظمی، منشورات مکتبه صاحب الزمان، ۱۳۹۰.
۳۱. صدیق اورعی، غلامرضا، اندیشه اجتماعی در روایات امر به معروف و نهی از منکر، ۱ جلد، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۲. صدیق اورعی، غلامرضا، بررسی مسایل اجتماعی ایران، انتشارات خوشه و کتاب امروز، ۱۳۷۰.
۳۳. صفایی حائری، علی، تطهیر با جاری قرآن، ۳ جلد، لیلة القدر - قم، چاپ: اول، ۱۳۹۱ ه.ش.
۳۴. صفائی حائری، علی، جمع‌ها و حاصل جمع‌ها، قم، لیلة القدر، ۱۳۸۰.
۳۵. صفایی حائری، علی، وارثان عاشورا، قم، لیلة القدر، ۱۴۰۰.

۳۶. ضمیری، محمد رضا، مناسبات جامعه‌شناسی و حدیث (مجموعه بحث‌ها و گفتگوها)، قم، انتشارات دار الحدیث، ج اول، ۱۳۸۴.
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۸۰.
۳۸. طبرسی، احمدابن علی بن ابی طالب، احتجاج، دارالنعمان، ۱۳۸۶.
۳۹. عمید، حسن، عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳.
۴۰. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، ج ۲، تهران، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، ۱۳۵۸.
۴۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ده رساله فیض کاشانی (رساله الفت‌نامه)، مرکز تحقیقات علمی و دینی امیرالمؤمنان (علیه‌السلام).
- کلاین برگ، اتو، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، ج ۱، چ ۲، تهران، شرکت سهامی نشر اندیشه با همکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۴۶.
۴۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، الخامسة، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ششم، ۱۴۰۷.
۴۳. کینگ، ساموئل، جامعه‌شناسی، ترجمه مشفق همدانی، چ ۶، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۳.
۴۴. کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
۴۵. کوئن، روس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر توسلس و فاضل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۴۶. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چ ۵، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
۴۷. مطهری، مرتضی، «روان‌شناسی اجتماعی اسلامی» (چاپ شده در مجموعه مقالات: جلوه‌های معلمی استاد، انتشارات دفتر امور کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش).
۴۸. معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۲۱، ۱۳۸۳.
۴۹. نیازی، محسن، تبیین رابطه انسجام اجتماعی و مشارکت شهروندان شهر کاشان، فصلنامه امدادپژوهان، ۱۳۸۳